

رهايش يا حق تعيين سرنوشت - ۱۵

منوچهر صالحی



... پس از آن که اقوام تک‌زبانی حوزه مراوده خود را گسترش دادند و با اقوام دیگری که دارای زبان‌های دیگری بودند، در مراوده قرار گرفتند و بنا بر ضرورت‌ها زندگی مشترک را برای خود سودمندتر یافتند، دیگر زبان یگانه عامل پیوند اقوام به هم نبود و بلکه عوامل اقتصادی و به‌ویژه برخورداری از امنیت سبب پیدایش دولت‌های چندزبانی در تاریخ گشت.

ایران و بغرنج حق تعیین سرنوشت

زبان به‌مثابه عامل پیوند قومی- ملی

در جستار یکم اندیشه رهايش و حق تعیین سرنوشت خلق‌ها و ملت‌ها در اروپا را در رابطه با انقلاب‌های بورژوا- دمکراتیک و انقلاب‌های «سوسیالیستی» مورد بررسی قرار دادیم. در جستار دوم نخست پدیده زبان به مثابه عامل پیوند قومی- ملی و سپس تاریخ حق تعیین سرنوشت اقوام و ملیت‌های ایران و در همین رابطه تاریخ اقوام ایران را بررسی خواهیم کرد تا بتوان به نتایجی منطقی و مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی در زمینه بافت دولت دمکراتیکی که باید در آینده در ایران تحقق یابد، دست یافت.

جانوران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته‌ای که از هنگام زایش خویش تنه‌ایند و برای ادامه زیست خویش قایم به ذات‌اند، همچون مار و یا لاک‌پشتی که چون از تخم بیرون می‌آید، بنا بر غریزه خویش می‌داند چگونه باید تغذیه و خود را در برابر خطرها حفظ کند. دسته دیگر جانورانی هستند که پس از زایش خویش، همچون جوجه پرنده‌ای که در لانه از تخم بیرون می‌آید و یا همچون کودکی که از مادر زاده می‌شود، نمی‌توانند بدون کمک و یاری مادران و پدران خویش زنده بمانند. این دسته از جانوران را می‌توان جانورانی «اجتماعی» نامید، زیرا نوزاد از لحظه زایش خویش با مادر و پدر خود در مراوده‌ای متقابل قرار دارد. به این ترتیب زبان به مثابه ابزار مراوده میان این «جانوران اجتماعی» به‌وجود آمد. زبان در آغاز از عناصر ایما و اشاره تشکیل شده بود، پرنده‌گان در کنار آن توانستند زبان آوایی را به‌وجود آورند که بنا بر بررسی‌های کنونی برخی از پرنده‌گان باهوش گویا می‌توانند با زبان آوایی خویش با هم سخن

بگویند. حتی بررسی آواهای پرندگان نشان می‌دهد که یک نوع پرنده بر حسب آن که در چه منطقه‌ای زندگی می‌کند، داراهای آواهای گوناگون است، یعنی آن‌ها به زبان‌های آوایی گوناگون با هم در مرادده‌اند. به این ترتیب می‌توان به این نتیجه رسید که ابزار زبان چه در میان پرندگان و چه در میان میمون‌ها و انسان‌ها سیستمی قراردادی است که به تدریج در تاریخ تکامل این موجودات به وجود آمد و با پیدایش آن پرندگان، میمون‌ها و انسان‌ها توانستند تجربیات خود را به هم منتقل کنند. به این ترتیب پیدایش زبان سبب شد تا تجربیات گذشته در اندیشه آدمی نخست به صورت اسطوره و سنت انباشته شوند و سپس در مرحله دیگری از تکامل انسانی خط پدید آمد که با آن ابزار انسان توانست تجربیات خود را ثبت و از گزند حوادث حفظ کند. پیدایش زبان و خط در عین حال سبب انکشاف حوزه اندیشه انسان گشت، زیرا انسان توانست با زبان و خط الگوهای گفتاری و نوشتاری به وجود آورد که آموزش را برای نوزادان آسان‌تر ساخت. نوام چامسکی حتی بر این باور است که «خصوصیات زبان در انسان ذاتی» است و «به‌طور ارثی برنامه‌ریزی شده است.» تازگی اندیشه چامسکی در آن است که «کودک مجموعه محدودی از اطلاعات را از محیط زبانی خویش می‌گیرد و خود قادر است ترکیبات جدیدی بسازد.»

کودکان زبان را از مادران و پدران خود و جامعه‌ای که در آن می‌زیند، فرامی‌گیرند. اگر آن‌ها در جامعه‌ای تک‌زبانی زاده شوند، فقط همان زبان را یاد خواهند گرفت و بنا بر بسیاری از پژوهش‌ها اگر کودکان در جامعه‌ای چندزبانی هم‌چون بلژیک، سوییس و افریقای جنوبی زاده شوند، به راحتی و بدون هرگونه دشواری چند زبان را خواهند آموخت. هم‌چنین مهاجران بزرگسالی که به کشور دیگری کوچ می‌کنند، پس از چندی زبان آن کشور را نیز می‌آموزند. در عین حال در کشورهای کم‌جمعیت اروپا هم‌چون کشورهای اسکاندیناوی و هلند که دارای جمعیت اندکی هستند، هزینه دوبره و ترجمه کردن فیلم‌ها و کتاب‌ها به نسبت بازار فروش این کشورها زیاد است، یعنی این کار سودآور نیست و به همین دلیل فیلم‌های وارداتی به زبان اصلی و با زیرنویس در تلویزیون و سینماها نمایش داده می‌شوند و در نتیجه مردم این کشورها از کودکی زبان انگلیسی را در کنار زبان مادری خود می‌آموزند تا بتوانند با کم‌ترین هزینه کالاهای هنری و فرهنگی کشورهای دیگر را مصرف کنند. بنابراین در جهان کنونی در پی تحقق دولت‌های تک‌زبانی بودن، کاری است «ضد تاریخی» و برخلاف انکشاف جامعه جهانی که به آن در نوشتارهای آینده بیش‌از این خواهیم پرداخت.

در بررسی‌های خود دیدیم کائوتسکی، بزرگ‌ترین تئوریسین سوسیال دمکراتی آلمان بر این باور بود که ره‌ایش فردی و جمعی واقعی فقط هنگامی می‌تواند تحقق یابد که مردمی که به یک زبان سخن می‌گویند، بتوانند دولت مستقل خود را تشکیل دهند. اما واقعیات جهان نشان می‌دهند که زمینه‌ای عینی برای تحقق این اندیشه کائوتسکی وجود ندارد.

دانیل نتل در بررسی‌های خود حدس زد که در ده هزار سال پیش در جهان باید نزدیک به ۲۰ هزار زبان وجود می‌داشت. در آن دوران محیط زیست اقوام هم‌چون جزیره بود، یعنی آن‌ها دور از هم می‌زیستند و با اقوام همسایه خویش مراوده چندانی نداشتند و در نتیجه هر قومی، هر چند کوچک، به زبان خود سخن می‌گفت. اما با گسترش تمدن و اهلی ساختن حیوانات بارکش، به حوزه تحرک اقوام به تدریج افزوده شد و بسیاری از این اقوام از انزوا بیرون آمدند و جذب تمدن‌های پیشرفته‌تر شدند و در نتیجه حدس زده می‌شود که در ۳۰۰۰ سال پیش در جهان فقط ۹ هزار زبان وجود داشت، یعنی طی هفت هزار سال بیش از نیمی از زبان‌های جهان از بین رفتند. با پیدایش امپراتوری‌های مصر، ایران، یونان، روم و چین که نتیجه پیشرفت تمدن و مراوده جهانی در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا بود، باز هم از تعداد زبان‌های جهان کاسته شد و باز حدس زده می‌شود که در ۱۵۰۰ میلادی، یعنی ۵۰۰ سال پیش در جهان فقط ۷۵۰۰ زبان وجود داشت. دانیل نتل با تکیه بر این پژوهش مدعی است در سرزمین‌هایی که یک قوم بدون کمک اقوام دیگر نمی‌توانست بزیست و مجبور به ارتباط با اقوام دیگر بود، روند کاهش زبان‌های بومی شدیدتر بود و در عوض در مناطق کوهستانی و کویری که اقوام در انزوا به‌سر می‌بردند، این روند بسیار کند بوده است. بنابراین، هر اندازه به دامنه وابستگی‌های اجتماعی افراد و اقوام افزوده شود، به‌همان نسبت نیز به روند جذب اقوام در هم افزوده شده و از تعداد زبان‌ها کاسته می‌شود. دانیل نتل همچنین نشان داد دولت‌هایی که از نقطه نظر اقتصادی و نظامی نیرومندترند، با به‌کاربرد سرکوب می‌کوشند جامعه چند زبانی را به جامعه تک‌زبانی بدل سازند. البته سیاست سرکوب همه جا یکسان نیست و در اشکال مختلفی بروز می‌کند. مثلاً در برلین، پایتخت آلمان، در مدرسه‌ای که تعداد شاگردان مهاجر زیاد است، شاگردان موظفانند فقط به زبان آلمانی با هم سخن بگویند و در غیر این‌صورت «جریمه» خواهند شد. هدف از این سیاست آن است که شاگردان با آموختن زبان آلمانی بهتر بتوانند جذب جامعه فرهنگی آلمان شوند، یعنی تغییر هویت دهند تا بتوانند «آلمانی» شوند. در عوض در ترکیه سیاست سرکوب به گونه دیگری بود. در این کشور تا ۱۰

سال پیش سخن گفتن به زبان کردی ممنوع بود و حتی کردها را «ترکان کوه‌نشین» می‌نامیدند. با این حال پژوهش‌ها آشکار می‌سازند که با زور و ممنوع‌سازی نمی‌توان یک زبان را از بین برد و بلکه آن گونه که در آمریکا می‌توان دید، مردمی که به حوزه‌های زبانی و فرهنگی عقب‌مانده‌تری تعلق دارند، در روندی آرام و به تدریج زبان قوم پیشرفته‌تر را می‌آموزند و به زبان اصلی خود بدل می‌سازند، بدون آن که زبان مادری خود را فراموش کنند. امروز حتی برخی از سرخ‌پوستان وابسته به تیره‌های مختلف می‌کوشند زبان مادری فراموش شده خود را به فرزندان خویش به‌مثابه زبان دوم بیاموزند تا هویت تاریخی این اقوام در حافظه تاریخ زنده بماند.

اما با پیدایش سرمایه‌داری که سبب افزایش مراوده میان اقوام و دولت‌ها و پیدایش تدریجی بازار جهانی شد، بسیاری از اقوام و ملی که تا آن دوران در انزوا به‌سر می‌بردند و از هویت و موجودیت یکدیگر بی‌خبر بودند، مجبور شدند با دیگر اقوام و ملل در هم آمیزند و در نتیجه ملی که از فرهنگ پیشرفته‌تر و قدرت نظامی نیرومندتر برخوردار بودند، توانستند برخی از این اقوام را در خود ادغام کنند و به همین دلیل طی ۵۰۰ سال گذشته از تعداد زبان‌های جهان باز هم کاسته شد و در حال حاضر حدس زده می‌شود که بین ۶۵۰۰ تا ۷۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد. اگر تئوری دولت-ملت تک‌زبانی کائوتسکی بخواهد تحقق یابد، باید ۷ میلیارد جمعیت کنونی جهان در ۶۵۰۰ تا ۷۰۰۰ دولت مستقل بزید، یعنی میانگین جمعیت هر یک از این دولت‌ها بیش از یک میلیون تن نخواهد بود. اما واقعیت آن است که در حال حاضر در سراسر جهان نزدیک به ۲۰۰ دولت وجود دارند که تقریباً همه‌ی آن‌ها دولت‌های چندملیتی هستند، یعنی اقوام مختلف با زبان‌های متفاوت در سپهر هر یک از این دولت‌ها با هم می‌زیند.

باز بنا بر بررسی‌های زبان‌شناسان، در سال ۲۰۰۵ زبان مادری بیش از نیمی از مردم جهان ۱۰ زبان بود که عبارت بودند از زبان‌های ماندارین-چینی (۷۲۶ میلیون تن)، انگلیسی (۴۲۷ میلیون تن)، اسپانیایی (۲۶۶ میلیون تن)، هندی (۱۸۲ میلیون تن)، عربی (۱۸۱ میلیون تن)، پرتغالی (۱۶۵ میلیون تن)، بنگالی (۱۶۲ میلیون تن)، روسی (۱۵۸ میلیون تن)، ژاپنی (۱۲۴ میلیون تن) و آلمانی (۱۲۱ میلیون تن). می‌بینیم که زبان‌های فرانسه، فارسی و ترکی در رده‌های بعدی این لیست قرار دارند.

از آنجا که جامعه انفورماتیک و اینترنت سبب گسترش خیره‌کننده روابط فرهنگی میان ملت‌ها گشته است، در نتیجه حدس زده می‌شود که از

تعداد زبان‌های جهان در سال‌های آینده با شتابی بیشتر کاسته شود، یعنی برخی از مردم با جذب شدن در فرهنگ‌های گسترده‌تر زبان مادری خود را به تدریج فراموش خواهند کرد و به زبان دیگری که غنی‌تر است، سخن خواهند گفت. بنا بر این بررسی‌ها در سال ۲۰۵۰ بیش از ۲۰۰۰ زبان از بین خواهند رفت و تعداد زبان‌های جهان به ۴۵۰۰ کاهش خواهد یافت. به همین ترتیب در سال ۲۱۰۰ تعداد زبان‌های جهان به ۳۰۰۰ و در سال ۲۲۰۰ به ۱۰۰ زبان کاهش خواهد یافت. به این ترتیب فقط زبان‌هایی باقی خواهند ماند که در گذشته دارای فرهنگی غنی بوده‌اند و در سال‌های آینده خواهند توانست زبان خود را با رشد تکنولوژی جهانی هم‌سو سازند. زبان فارسی یکی از آن ۱۰۰ زبانی است که در سال ۲۲۰۰ همچنان وجود خواهد داشت.

همچنین بررسی زبان‌های موجود جهان نیز بسیار آموزنده است. در حال حاضر جمعیت قومی ۴۴۵ (۷٪) زبان دنیا کم‌تر از ۱۰۰ تن است. حوزه زیست بیشتر این گروه‌ها مناطق جنگلی آمازون و یا مناطق خشک و صحرایی افریقا، استرالیا و زلاند نو است. همچنین جمعیت قومی ۱۰۴۰ (۱۶٪) زبان کمی بیشتر از ۱۰۰ تن می‌باشد. حوزه جمعیتی ۱۶۳۱ (۲۵٪) زبان کمی بیشتر از ۱۰۰۰ تن است. همچنین جمعیت قومی ۱۳۶۴ (۲۱٪) زبان کمی بیشتر از ۱۰ هزار تن است. حوزه جمعیتی ۶۱۶ (۹٪) زبان نیز بیشتر از ۱۰۰ هزار تن است و فقط ۲۸۳ (۴٪) زبان در جهان توسط بیش از یک میلیون تن سخن گفته می‌شود. بنابراین با افزایش هر چه بیشتر مراوده جهانی زبان‌های کم جمعیت دیر یا زود از بین خواهند رفت و بنا بر بررسی‌های کنونی از ۲۸۳ زبان باقی‌مانده نیز در پایان سال ۲۲۰۰ فقط ۱۰۰ زبان در جهان باقی خواهند ماند.

نکته دیگری که در اینجا مورد بررسی قرار می‌دهیم، ساخت چند زبانی دولت‌های کنونی است. به‌طور مثال مردمی که در پایوآ گینه نو می‌زیند، به ۸۳۲ زبان مختلف سخن می‌گویند، اما در این کشور فقط ۳ زبان رسمی وجود دارد که یکی از آن‌ها زبان انگلیسی است. نمونه دیگر کشور اندونزی است. در این کشور ۷۲۹ زبان مختلف، اما فقط یک زبان رسمی وجود دارد که از ریشه زبان مالزیایی است. همچنین در کشور نیجریه مردم با ۵۱۵ زبان مختلف سخن می‌گویند، اما یگانه زبان رسمی در آن کشور زبان انگلیسی است، یعنی جمعیت ۱۵۰ میلیونی نیجریه یک زبان استعماری را به‌مثابه زبان رسمی خود پذیرفته است. نمونه دیگر دولت هند است. در این کشور با جمعیتی بیش از یک میلیارد و دویست میلیون تن ۳۹۸ زبان مختلف وجود دارد، اما فقط زبان‌های هندی و انگلیسی زبان‌های رسمی‌اند و در ایالت‌های دولت هند

نیز فقط ۲۰ زبان رسمی ایالتی وجود دارد. همچنین در سپهر ایالات متحده آمریکا مردم به ۱۷۶ زبان سخن می‌گویند، اما با آن که اینک تعداد مردم آمریکای لاتین‌تبار که به اسپانیایی سخن می‌گویند و مهاجرین بیش از نیمی از جمعیت این دولت را تشکیل می‌دهد، زبان انگلیسی همچنان تنها زبان رسمی این دولت است. در آلمان نیز ۷ زبان مختلف وجود دارد که یکی از آن‌ها زبان ۳ میلیون ترک مهاجر است که بخشی از آنان تابعیت آلمان را پذیرفته است و با این حال در این کشور نیز فقط یک زبان رسمی وجود دارد که زبان آلمانی است.

در عوض فقط در چند کشور جهان همچون سوییس که از اتحاد داوطلبانه «کانتون»‌های مستقل به وجود آمد، می‌توان بیش از یک زبان رسمی یافت. در برخی از این کشورها همچون بلژیک برای جلوگیری از «تجزیه» ملیت‌هایی که در سپهر این دولت‌ها می‌زیند، بیشتر از یک‌زبان رسمی پذیرفته شده است. با وجود سه زبان رسمی در بلژیک اما به دلایل اقتصادی این کشور با خطر تجزیه روبه‌رو است، زیرا بخش فلاندرنشین بلژیک که ثروتمندتر است، چون حاضر نیست بخشی از ثروت خود را به مناطق فقیرتر والونی‌نشین آن کشور بپردازد، در پی تجزیه آن دولت است. در اینجا منافع اقتصادی و نه اختلاف زبانی نیروی محرکه تجزیه است.

در هر حال می‌توان به این نتیجه رسید که نخستین اجتماعات از مردمی تشکیل می‌شدند که دارای یک زبان مشترک بودند، یعنی در این دوران زبان مادری مهم‌ترین عامل پیوند انسان‌ها به هم بود. اما پس از آن که اقوام تک‌زبانی حوزه مراوده خود را گسترش دادند و با اقوام دیگری که دارای زبان‌های دیگری بودند، در مراوده قرار گرفتند و بنا بر ضرورت‌ها زندگی مشترک را برای خود سودمندتر یافتند، دیگر زبان یگانه عامل پیوند اقوام به هم نبود و بلکه عوامل اقتصادی و به‌ویژه برخورداری از امنیت سبب پیدایش دولت‌های چندزبانی در تاریخ گشت. میهن ما ایران یکی از نخستین نمونه‌های بسیار کهن یک دولت چند زبانی است که در نوشتارهای آینده به آن خواهیم پرداخت.

ادامه دارد

ژولای ۲۰۱۳

msalehi@online.de

www.manouchehr-salehi.de

با نوشتها :

<http://fa.wikipedia.org/wiki/زبان> -۱

Bodmer, Frederick: „Die Sprachen der Welt“, Kiepenheuer & Witsch Verlag, Köln. Berlin, Seite ۱ -۲

Daniel Nettle -۳

Nettle, Daniel: "Linguistic diversity"; Oxford University Press, ۱۹۹۹ -۴

<http://www.uni-leipzig.de/~muellerg/su/haspelmath.pdf> ;Haspelmath, Martin: „Sprachen der Welt“, ۲۰۰۵ -۵

Ebenda-۶

Ebenda -۷

Ebenda -۸

Papua Neuguinea-۹

<http://alihme.wikispaces.com/file/view/divisions.pdf>-۱۰